لزوم تحقیق در صد سال بعد از ابن مجاهد

شاگرد: حقائق التاویل.

استاد: بله، حقائق التاویل فی متشابه التنزیل. تفسیر سید رضی بود. چقدر هم به‌خوبی ایشان فن قرائت را از اساتیدشان ذکر کرده بودند. پس این‌که شیخ می‌گویند کار اصحاب ما با این قرائات بود، روشن است. خب حالا ما چه می‌خواهیم بگوییم؟ می‌خواهیم بگوییم شما می‌گویید فن قرائات، خب اگر نزد مذهب امامیه این بود که همه اینها اجتهادات قراء است و خطأ قراء است، کسانی از غیر معصومین خودشان را جای خدا گذاشته‌اند، جای ملک وحی گذاشته‌اند و در کلام خدا اجتهاد کرده و یک چیزی گفته‌اند. خب آیا این معقول است که مذهب امامیه این باشد که همه اینها خطاهای بشر است، از طرفی این قدر به آن عنایت کنند؟! این قدر عنایت کنند که علم قرائت را بخوانند و بنویسند!

این برای خود من جالب بود. ابن خالویه که معاصر صدوق هستند، معلوم است از بزرگان امامیه بوده‌اند. ولو بین اهلسنت به‌عنوان شافعی معروف بوده‌اند اما معلوم است که ایشان تقیه می‌کرده. کتاب‌هایش هم معلوم است. کتاب دارد به نام الحجه فی القرائات السبعه. معاصر ابوعلی فارسی بوده. هر دوی آنها الحجه دارند. صد سال بعد از ابن مجاهد نیاز به تحقیق خاصی دارد. غیر از پشتوانه حکومتی، کسانی با پشتوانه فرهنگی کار ابن مجاهد را ماسونده اند! حالا چرا و این‌که مبادیش چه بود، باید فکرش را بکنیم و از آن بحث کنیم و شواهد بیاوریم. مثلاً دو نفر از آنها همین ها هستند. ابوعلی فارسی و ابن خالویه. هر دوی آنها هم شاگرد ابن مجاهد بوده‌اند و کتاب نوشته اند و کار او را ادامه داده‌اند. پشتوانه فرهنگی و علمی برای آن فراهم کرده‌اند.

شاگرد: ابوعلی فارسی هم شیعه بوده؟

استاد: معلوم نیست. احتمالش هست. من به تازگی نگاه نکرده‌ام. مرحوم آسید محسن امین اگر در اعیان الشیعه آورده باشند شواهدی را ذکر می‌کنند. جلوترها عرض کردم باید ملکه ذهن طلبگی ما شود که مراجعه به مرجع مناسب بکنیم. تا این افراد مطرح می‌شوند باید اعیان الشیعه به ذهن ما بیاید. باید به اعیان الشیعه مراجعه کنیم، اگر یک نقلی باشد و احتمال خوبی باشد، ایشان می‌آورند. خیلی از کسانی که سنی بوده‌اند را ایشان نمی‌آورند. چون کتاب به نام اعیان الشیعه است.

پس این هم یک نکته از مقدمه تبیان که ایشان فرموده‌اند «جمعتُ من أصحابنا قديماً وحديثاً، يرغبون في كتاب مقتصد يجتمع على جميع فنون علم القرآن». اولین فنون را هم قرائت ذکر می‌کنند. پس منظور من این است که شیخ تنها نیستند تا بگوییم رنگ اهلسنت دارد.

شاگرد: برداشت من از تعبیر «کره‌وا تجرید القرائه» این است که در دعوای کوفیین و مدنیین که کوفیین اصرار بر تجرید قرائت داشتند اما مدنیین می‌گفتند همه آنها باشد، گویا مشی شیعه طرف مدنیین است. شما این جمله را نگفتید اما من برداشت کردم.

استاد: برداشت خوبی بوده!

شاگرد: اما چیزی که این برداشت را در می‌کند این است که اگر این خاوریه شیعه بوده... .

استاد: این خاوریه بغدادی است. اوالاً او در فضایی است که باید شرح حال او را ببینید. درگیری خارجی با ابوعلی فارسی داشت. رقیب هم بوده‌اند. جریانات مفصلی دارد. هیچ مشکلی ندارد. اساساً علمائی که رشد و نموشان در بغداد بود فضای بغداد این را برای آن‌ها داشت. خود کسانی که در بغداد بودند چه سنی و چه شیعه اینطور بودند. حتی علماء سنی‌ای که در بغداد بودند با سنی‌هایی که در جاهای دیگری بودند فرق می‌کنند. فضای بغداد به این صورت بود. این مشکلی ندارد. آن چیزی که شما در مورد مدنیین فرمودید برای فضایی است که کسانی باشند که در فن ادبیات و قرائات تخصصی ورود نکرده باشند. بلکه فضای بیرون زدن آن‌ها در ذهنشان متلقی باشد. این حرف برای آن‌ها درست است.

شاگرد: پس می‌توان این احتمال را داد که تعبیر «کره‌وا تجری القرائه» یک جور اتخاذ موضع در مورد دعوای مدنیین و عراقیین باشد.

استاد: مانعی ندارد.

شاگرد: درست است که خیلی از کوفیین شیعه هستند اما سبک شیعه مدنی است.

استاد: این چیزی که به ذهن شریفتان آمده تحلیل درستی است و شواهدی هم دارد. حالا بعداً ذکر می‌کنیم.

ما الآن می‌خواهیم عبارت مرحوم شیخ را دوباره بخوانیم. هر بار که به دقت می‌خوانیم نکاتی در آن هست. صفحه ششم و هفتم تبیان است. با خصوصیاتی که بیان می‌فرمایند می‌خواهم زیر سه کلمه خط بکشم. کلماتی که در نقل ها فراموش شده‌اند و اصلاً ذکر نشده‌اند. به‌خاطر این‌که دو کلمه از آن‌ها بعد از نقل هفت وجه است و فاصله زیادی پیدا کرده. ولی مطلب کاملاً به هم مربوط است. عبارت این است:

بازبینی #2
ایجاد شده 16 آوریل 2024 12:51:17 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 مه 2024 11:58:52 توسط ... .